

## نگاهی بر نحوه‌ی تشکیل نهضت سرداران و زمینه‌های فکری و سیاسی حاکم بر آن

زینب اولی<sup>۱</sup>

بهادر قییم<sup>۲</sup>

### چکیده

نگاهی بر نحوه‌ی تشکیل نهضت سرداران و زمینه‌های فکری و سیاسی حاکم بر آن به دلیل دوری خراسان از مرکز حکومت ایلخانان که در تبریز بود، بعد از فوت ابوسعید خراسان بیش از مناطق دیگر مستعد آشوب و تزلزل سیاسی و هم‌چنین شورش مدعیان امارت و یا تلاش‌های استقلال طلبانه آنها جوی متشنج و نیازمند ظهور نهضتی بود. البته در خراسان نظام ملوک طوایف به مقدار زیادی پذیرفته شده بود، و بر این مبنا در این منطقه حکومت می‌کردند، با تقسیم خراسان در سال ۷۵۴ م بین طغای تیمور و آل کرت که در میانه آنها در بخش طوس، خاندان جانی قربانی از طوایف مغول حکومت می‌کردند و جانب دارا ایلخانی طغای تیمور بودند که پس از ابوسعید مدعی چنین مقامی بود. در اینجا این مسئله مطرح می‌شود در منطقه حد فاصل این سه قدرت، یعنی سبزواری، دامغان و سمنان نوعی خلاء قدرت وجود داشت که سرداران این خلاء را پرکردند. پژوهش حاضر برای روشن‌سازی زمینه‌های فکری و سیاسی حاکم بر تشکیل نهضت سرداران با تأکید بر جغرافیای سیاسی است.

**واژگان کلیدی:** نهضت سرداران، خراسان، سبزواری، جغرافیای سیاسی، تصوف

---

۱. دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. دانشگاه شهید چمران اهواز

### جایگاه خراسان در تاریخ

خراسان در زبان قدیم فارسی به معنای خاور زمین و محلی که در آن افتاب طلوع می‌کند، و به خاطر اینکه این شهر در شرق کشور ایران قرار گرفته به خراسان معروف است، و این ایالت شامل تمام سرزمین‌های ماوراء النهر در شمال خاوری به استثنای سیستان و قهستان در جنوب می‌شد. نیشابور، مرو، هرات و بلخ از شهرهای بزرگ ایالت خراسان در قرون وسطی محسوب می‌شدند، این ایالت از لحاظ جغرافیای وسعت زیادی داشته است، که باعث تقسیم این زمین به چهار قسمت شد و هر قسمتی از آن به نام یکی از شهرهای بزرگ خراسان معروف شد.<sup>۱</sup>

ظاهراً خصوصیات بارز و تنوع فرهنگی شهرهای این ایالت مورد توجه پادشاهان سلسله‌های مختلف قرار گرفته بود و پایتخت آن قسمت یا پایتخت تمام ایالت واقع می‌شدند، که آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وارد تاریخ می‌شده‌اند. که نمونه آن در دوره پیشداد یا نوکیانیان و حتی اسکندر مقدونی آنجا را پایتخت خود قرار داده است. اشکانیان گامی فراتر گذاشته‌اند در این شهر حکومت‌های ملوک الطوایف را مرسوم ساختند، ظاهراً این نوع حکمرانی زمینه‌های برای گریز از حکومت مرکزی و تسلط آن و هم‌چنین آوردن استقلال داخلی به مناطق زیر سلطه حکومت‌های ملوک الطوایف بوده است، که باعث ایجاد روشنفکری در بین مردمان این شهرها و مبارزه با ظلم و ستم شده است. در دوره ساسانی هم امرای با مقام بالا و گاهی از خود خاندان سلطنتی این سلسله در خراسان حکومت می‌کردند، که بیانگر توجه پادشاهان بوده، و از ایالت‌های مهم کشور به حساب می‌آمد.<sup>۲</sup>

حتی در دوره اسلامی خراسان محل نزاع و شاهد نهضت ابومسلم خراسانی بود. این نهضت برای تغییر حکومت از امویان به عباسیان، که با رنگ و تعالیم شیعی در بین مردم رواج یافت و مورد پذیرش قرار گرفت، اما خراسانیان دریافتند که دعوت عباسیان فقط برای رسیدن به حکومت بوده است، و فقط جنبه سیاسی داشته به این دلیل از آنها جدا شده‌اند و به علویان پیوستند و خراسان پناگاه علویان شد. می‌توان گفت که مردم خراسان قدرت تجزیه و تحلیل و

۱. لسترینج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، مترجم: محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۴۰۸

۲. شیروانی، بستان السیاحه، زین العابدین بن اسکندر، تهران، سنایی، ص ۲۳۴

هم‌چنین تشخیص تعالیم دینی ناب اسلامی و مبارزه با ظلم و ستم آشنایی خوبی داشته‌اند.<sup>۱</sup> این جنبش مبدأ حرکات ملی دیگری در خراسان گشت، که بالاخره منجر به تأسیس سلطنت داخلی در خراسان گردید.<sup>۲</sup>

### وضعیت ایلخانان قبل از نهضت سربداری

آخرین سال‌های آرامش در ایران عصر ایلخانی، سالهای حکومت ابوسعید بود، در دهه‌ی دوم قرن هشتم خراسان گرفتار قتل و غارت فراوان مغول جغتایی شد. پس از آن ابوسعید آن ناحیه را به امیر شیخ علی سپرد و خواجه علاءالدین محمد هندودر سال ۷۳۱ را به وزارت او منصوب کرد. در این وقت هر ناحیه خراسان زیر سلطه‌ی یکی از فرماندهان که تابع مغولان که اکنون به صورت زمین‌داران بانفوذ، برای خود دستگاه حکومتی محلی به راه‌انداخته بودند.<sup>۳</sup> مغولان پس از تسلط بر ناحیه استرآباد یک حکومت بومی به نام «طغاتیوریان» تأسیس کردند.<sup>۴</sup> یکی از این خاندان‌ها جانی قربانی، برمشهد، طوس و ابیورد تسلط داشته‌اند، ونیشابور را پایتخت خود قرار داده‌اند.<sup>۵</sup> این قبیله‌ها فشار و ظلم زیادی به مردم وارد می‌کردند و شکایت مردم به حکومت مرکزی نیز سودی نداشت، زیرا دولت مرکزی نمی‌توانست براین خاندانها محلی نفوذ تمام عیار داشته باشد، شاید به دلیل نیاز حکومت مرکزی به مالیاتی که این خاندان‌ها برای آنها می‌پرداختند، از رفتار آنها چشم‌پوشی می‌کردند.<sup>۶</sup> سکوت دولت مرکزی از این موضوع باعث افزایش فقر و میزان خشونت و خشمگینی مردم، که با هر جرقه‌ی به انفجارونشان دادن انزجار خود از وضعیت موجود است، این مسئله هم به وسیله گروه‌های آرمانخواهی که در شهرهای کوچک و بزرگ وجود دارند که بر اساس پیوستگی‌های صنفی و عقیدنی و هم‌زبانی و همدردی

۱. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران، افسون، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۸۷۱

۲. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، همان منبع، ص ۲۹۸

۳. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، ناشر الکترونیکی: امیر قربانی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۵۶

۴. معطوفی، اسدالله، گرگان و استرآباد، تهران، حروفیه، ۱۳۸۷، چ ۱، ص ۴۹۶

۵. ابن بطوطه، حمد بن عبدالله، رحلة ابن بطوطه، محقق: عبدالهادی تاری، ریاض، اکادیمیه المملکه المغربیه،

۱۴۱۷، ص ۵۶

۶. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، همان منبع، ج ۳، ص ۳۵۶

و ضرورت‌های مردمی و دفاع از ناموس و شرف مردم ضعیف، تشکیلاتی به وجود می‌آورند، که باید تعالیم و آداب دینی سرلوحه آن باشد، که نمونه آن نهضت سربداران در برابر حامکان مغول از این دست است.

### تصوف در خراسان

در اواخر دولت ابوسعید بهادر خان بر شمار عرفا و متصوفه و دراویش افزوده شد، به طوری که در هر ناحیه‌ای مرادی گرد خود جماعتی مرید داشت و چون سلطان ابوسعید اساساً مخالف آزار رساندن به این طایفه بود کسی نمی‌توانست به آنها تعرض کند و به همین علت روز به روز تعداد شیوخ زیاد می‌شدند، تعداد زیادی از این مریدان جزء سلسله اهل فتوت یا اهل اخوت تشکیل می‌دادند. این فقیان و اخوان جماعتی عوام و متصوفه بودند که تلاش می‌کردند اصول عالی عرفان و تصوف را در میان عامه نهادینه کنند و از طریق تصفیه اخلاق و استحکام مبانی صفا و دوستی بین خود از آن بهره بردارند. این جماعت از عهد خلافت الناصرالدین الله به علت گرویدن او به این طایفه در همه‌ی ممالک اسلامی تشکیلات و زوایا و خانقاه‌ها و مهمان‌خانه‌ها داشتند، متفرق بودند و حضرت علی (ع) را به صورت قطعی فتنی و مولی و حامی جمعیت خود می‌شمردند و از تعصب مذهبی و آزار یکدیگر و قتل و غارت و دزدی نیز احتراز داشتند. بلکه مثل زمان جاهلیت عرب و شوالیه‌های قرون وسطی در اروپا متجلی به یک سلسله اخلاق مردانه بودند. از این جماعت آنها که در ایران به این سلسله سر سپردند به مناسب سابقه تشیع در بعضی ولایت مخصوصاً در گیلان و مازنداران و پاره‌ای قسمت‌ها از خراسان به تدریج فرقه خود را حامی طایفه شیعه قرار دادند و چون مقارن اواخر دوره ایلخانی در ایران شرقی اهل تسنن بر ضد<sup>۱</sup> شیعه قوت گرفت و شیعیان به خصوص در هرات و خراسان بر اثر استبداد بعضی سلاطین سنی آل کرت مورد آزار و اذیت شدند، آزاردیدگان به سمت این فرقه رو کردند و سرهنگان فرقه که حمایت از مظلومین را دستور عمده مسلک خویش قرار داده بودند به هواخواهی ایشان یا به عبارت دیگر بر خلاف اهل تسنن قیام نمودند و به تدریج قیام آن فرقه عنوان برانداختن گروندگان به مذهب اهل سنت پیدا کرد.<sup>۲</sup>

۱. اصلاح عربانی، ابراهیم، تاریخ گیلان، تهران، گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۴

۲. اصلاح عربانی، ابراهیم، تاریخ گیلان، همان منبع، ص ۲۷۴

### نحوه‌ی بر آمدن سربدارها

باشتین بر وزن آستین دهی، در چهارفرسخی جنوب غربی سبزوار<sup>۱</sup> است، این دهکده زادگاه سربدارها<sup>۲</sup> که دوازده نفر از آنها به حکومت رسیدند و به مدت چهل و پنج سال به حکومت خود ادامه داده‌اند.<sup>۳</sup>

اولین حکمران سربدارها به نام خواجه امین‌الدین عبدالرزاق باشتینی و به احتمال زیاد کلمه باشتینی معرف اینک این امیر از اهل دهکده باشتین است، سلطان ابوسعید ایلخانی در سال ۷۳۷ خواجه عبدالرزاق را برای تحصیل مالیات به کرمان روانه می‌کند. اما خواجه این مالیات را خرج مصارف شخصی می‌کند و از بازگشت به سوی ابوسعید بیمناک می‌شود، و به باشتین برمی‌گردد، اما در راه خبر فوت ابوسعید به آن داده می‌شود و چون در باشتین به دلیل تعدی و ظلم هم‌چنین شرابخواری محصل مالیاتی فتنه‌ی بزرگی رخ می‌دهد. عبدالرزاق از این موقعیت استفاده می‌کند و مردم را به ضد حکام مغولی تحریک و آنها را توصیه می‌کند، که مسأله نکنن چون کشته خواهند شد و این سخن در بین آنها رایج می‌شود که به مردی خود بر سر دار دیدن هزار بار بهتر از آن که به نامردی کشته شویم، به خاطر این مقوله باعث استنباط اسم سربداری برای این سلسله شد.<sup>۴</sup> از این مسئله می‌توان پی برد که خراسان پناهگاه علویان بوده و مردم با تعالیم دینی آنها آشنایی کامل و به تشیع علاقه داشته‌اند و چون در اینجا هم به حقوق شخصی و دینی مردم تجاوز شده و مذهب تشیع که باعث توحید آنها بوده عاملی برای قیام و رهایی از سلطه سنی مذهب و ستمکاری آنها که منجر به پیروی از نهضت سربداران که سلسله شیعی بوده است.

جمع کثیری از مردم خواجه عبدالرزاق را همراهی کردند، و سبزوار را تسخیر کردند و آن را مقرر حکومت خود قرار دادند، خواجه عبدالرزاق خطبه به نام خویش خواند و سلسله سربداریه را تأسیس کرد.<sup>۵</sup>

۱. بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهقی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۸

۲. بیت، چارلز ادوارد، خراسان و سیستان، ترجمه: قدرت الله روشنی زعفرانی - مهرداد رهبری، تهران، یزدان، ۱۳۶۵، ص ۳۷۴

۳. شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السیاحه، همان منبع، ص ۲۳۵

۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، مرآة البلدان، محقق: عبدالحسین نوایی، هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۲۵

۵. بیت، چارلز ادوارد، خراسان و سیستان، همان منبع، ص ۳۷۴

### قدرت‌گیری سربدارها

وجیه‌الدین برادرش عبدالرزاق را شاید به دلیل ستمکاری و اصرار زیاد در انجام منکرات در قریه والا یاد استرآباد به شهادت رسانید، که به قول پیروانشان از آن زمان سربداران به عروج تمام رسیدند، و از این گفته می‌توان پی برد که هنوز عبدالرزاق از محبوبیت پیروانش برخوردار بوده و قتل او، به سربداران وجهی خاصی داده است.<sup>۱</sup> وجیه‌الدین مسعود که فردی دلپرو با تدبیر از مشهورترین امرای سربداری بوده، امیر مسعود دست به اقداماتی زد و آن هم با شیخ حسن جوری که شیعی مذهب بود و مردم را به قیام علیه اهل سنت و مبارزه با ستمکاران دعوت می‌کرد، متحد شد. ظاهراً این اقدام سیاسی بوده چون شیخ حسن جوری با داشتن رابطه مرادی و مریدی توانست جمعیت زیادی دور خود جمع کند، و دوستی امیر مسعود با آن بر پیروان سربداران افزوده می‌شود، هم‌چنین سربداران مروج تشیع هستند پس بایست یک شیخ که با جنبه‌های دینی این مذهب آشنایی کامل داشته باشد سخن بگوید، و آنها را در این زمینه پند داندرز دهد.<sup>۲</sup> امیر مسعود سربداری با کسب حمایت مردم توانست نیشابور را در سال ۷۳۹ هجری تصرف کند.<sup>۳</sup> در قسمت شمالی خراسان و گرگان نیز طغنائیمران و فرزندانشان حکومتی مستقل به وجود آوردند. میان حاکمان سنی مذهب کُرت و سربداران که از مروجان مذهب شیعه بودند همواره بر سر تصرف خراسان رقابت و خصومت وجود داشت.<sup>۴</sup> امیر وجیه‌الدین با سپاه طغای تیمور پادشاه خراسان وارد جنگ شد و به آنها شکست سختی وارد کرد<sup>۵</sup>، و خراسان و جرجان را تصرف کرد.<sup>۶</sup>

۱. بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، مصحح: ولادیمیر ولیامینوف، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۹

۲. اعتماد السلطنه، محمد بن حسن علی، راه‌البلدان، همان منبع، ج ۱، ص ۵۲۵

۳. وزین افضل، مهدی، تاریخ ایران اسلامی، تهران پوران پژوهش، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۳۰۳

۴. میر جعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹،

ص ۷

۵. معطوفی، اسدالله، گرگان و استرآباد، تهران، حروفیه، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹۰

۶. وزین افضل، مهدی، تاریخ ایران اسلامی، همان منبع، ص ۳۰۴

### سیرنزولی سربداران

وجیه‌الدین به سوی مازندران رفت تا اینکه انجا را تسخیر کند و قلمروی خود را توسعه دهد اما توفیقی نسبی نشد و به دستور جلال دوله اسکندر به قتل رسید، و بعد از آن‌ای تیمور که مردی شجاع و نایب وجیه‌الدین مسعود در سبزوار بود، با جلب رضایت مردم جانشین امیر مسعود شد و با استقلال تمام دو سال و دو حکمرانی کرد، و به وسیله شمس‌الدین علی به قتل رسید. امرای سربداری با مشورت همدیگر کلو اسفندیار را به حکمرانی برگزیدند و چون مردی مغرور و ستمگروبی اصل و نسب بود، سبزواریان بعد از سیزده ماه او را به قتل رسانیدند، این عمل میزان قدرت مردم سبزوار در ایستادگی در برابر امرای سربداری را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> تعویض امرای سربداران در مدت کوتاه عدم تعادل در جناح‌های سربداران (امرای سربداری، اشراف، مردم، درویشان) وجود دارد و هم‌چنین انتخابی بودن حکمران سربداری غیر وراثتی بودن این منصب به استثنا عبدالرزاق و وجیه‌الدین، علی شمس‌الدین به ما نشان می‌دهد.

پس از آن امیر علی شمس‌الدین - برادر وجیه‌الدین مسعود، که به نمایندگی از سوی برادرزاده‌اش لطف الله فرزند امیر مسعود که هنوز خردسال بود، به امارت سربداران رسید و دوران وی هم کوتاه بود. چرا که او چهره‌ی نیرومندی به شمار نمی‌آمد، زمانی که زمزمه‌ی حمله طغاتی‌مور به گوشش رسید انزوا را بر جنگ ترجیح داد، سربداران از آن ناامید شدند و در ذی‌حجه همان سال شمس‌الدین فضل الله را از حکومت برکنار کردند و تصمیم گرفتند تا فردی شجاع و نیرومند را به امارت برسانند.<sup>۲</sup>

### اصلاحات و ایجاد تعادل در سلسله سربداران

خواجه شمس‌الدین جُشمی که از نزدیکان شیخ حسن جوری بود، به حکومت رسید، و وی شخصی شجاع و دلیر و با تدبیر بود، که تعلق خاطر دینی جدی داشت و دستورات شرع را رعایت و در انجام آنها سختگیری می‌کرد، به حدی که در دوره او منکرات ترک شدند، و ۵۰۰ زن فاحشه به دستور او به قتل رسیدند، با این کار تعادلی میان درویشان و اشراف سربداران

۱. اعتماد السلطنه، محمد بن حسن علی، راه‌البلدان، همان منبع، ج ۱، ص ۵۲۵

۲. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، همان منبع، ج ۳، ص ۳۶۲

برقرار کرد. ظاهراً امیرجُشمی از لحاظ نظامی سپاه قوی برای خود تدارک دید چون طغاتی‌مور قصد حمله به سبزواری داشت اما وقتی از به حکومت رسیدن امیرجُشمی خبردار شد از این کار صرف نظر کرد. دوران حکومت امیر جشمی کمتر از چهار سال بود با اینکه سالهای حکومتی آن کم بود اما در این دوره اقدامات مهمی برای دوره سربداریه انجام داد و آن هم سدی در برابر تهاجم طغاتی‌مور و آل کرت را ایجاد کند، و بسط تعالیم دینی و لزوم اجرای آنها درحیطه شهری است.<sup>۱</sup> برای نمونه امرای سربداری هیچ وقت به خود اجازه ندادند، که خمس را مثل حکومت‌های سنی به جای مالیات تصاحب کنند. آیین پهلوان دلاور در سال ۷۵۳ به زخم حیدر قصاب یکی از ملازمان خود کشته شد.<sup>۳</sup>

پس از کشته شدن خواجه شمس‌الدین سربداران یحیی کرابی یا کراوی که از بزرگان و اشراف بود به حکومت سربداران رسید و ظاهراً نقشه قتل امیر جُشمی با موافقت وی اجرا شد، البته یحیی از شخصیت‌های مثبت سربداران است که هم در بعد دینداری و هم جنبه اجتماعی برای اصلاح وضعیت خراسان تلاش کرد. وی از عالمان و فقیهان حمایت می‌کرد و به روزگار وی آثاری در زمینه‌های مختلف دینی توسط برخی از علمای شیعی نوشته شد. یحیی کرابی با غزان خان صلح کرد و شهر طوس را از امیر جانی قربانی گرفت و امنیت مرزهای دولت سربداری را در آن سوی تأمین کرد. اما مهمترین اقدام او از بین بردن طغاتی‌مور بود که سالها دولت سربداری را در معرض تهدید قرار داده بود. امیرسربداری در ظاهر پیشنهاد مصالحه را مطرح کرد و با یک حيله سیاسی - نظامی، دشمن مغول خود را برای همیشه از پای درآورد.<sup>۴</sup> به آخرین امیر سربداری خواجه‌علی موید می‌رسیم، که بعضی از مورخین او را جزء طایفه امرای سربداری نمی‌شمارند. خواجه‌علی در دامغان برای گرفتن حکومت سربداری قیام کرد، و بر تخت حکومت سربداران نشست، عدل و احسان را در قلمروی خود ترویج داد، و به صورت علنی در نشر تشیع تلاش فراوانی کرد. خواجه موید در اداره امور حکمرانی دچار اختلال و فراز نشیبی شد و این به

۱. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، مرآة البلدان، ص ۵۲۶

۲. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۶

۳. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، مرآة البلدان، ص ۵۲۶

۴. جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، همان منبع، ج ۳، ص ۳۶۳



دلیل اینکه در هرمنطقه شخصی قدرتمند شورشی به پا ک کرد. بعد از هفت سال تا اینکه امیر تیمور به سمت خراسان می‌آید، و خواجه مویذ از آن استقبال می‌کند و در خدمت و رکاب آن ماند.<sup>۱</sup> تا اینکه ۷۸۸ هـ در ضمن جنگی در خرم آباد لرستان کشته شد، و سلسله‌ی سربداران برای همیشه منقرض شد.<sup>۲</sup>

اگرچه سلسله سربدارها از حیث قدرت و از جهت وسعت قلمرو خود با سلسله‌های دیگر قابل مقایسه نیست، تنها اهمیت و اعتبار آن قبل از تأسیس سلسله صفویه، قیام آنها بر ضد پیروان اهل تسنن و طرفداری از آل علی و مذهب شیعه است، و از پیشقدمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندان او به شمار می‌آیند.<sup>۳</sup> اما لازم به ذکر است که امرای سربداری ناحیه‌ای را از استرآباد تا خاف تحت تسلط خود درآورده‌اند.<sup>۴</sup> و هم‌چنین جرجان و نیشابور که در قرن پنجم یکی از کانون‌های فرهنگی در جهان به شمار می‌رفت و دارای مدارس و طلبه زیادی بوده احتمال دارد بقایای این فرهنگ در زمان نهضت سربداران موجود بوده و بستر مناسبی برای ترویج تشیع و آگاه‌سازی مردم و نشر آرمانهای خود بوده است، سربداران این عناصر را برای آگاه‌سازی به سایر مناطق فرستادند، و نهال‌های برای نهضت‌های بعدی کاشتند. که نمونه‌ی آن نهضت سربداری سمرقند یا نهضت تبریز است.

### نهضت در نگاه بیگانگان

بارتولد ضمن توجه به پاره‌ای از نهضت‌های روستای آسیای میانه و ایران به این نکته اشاره کرده که نمایندگان قشرهای عالی این ممالک، چه در زمان فتوحات اعراب و چه در دوران هجوم مغولان، به خاطر حفظ امتیازات و اراضی خویش، بالنسبه به آسانی بافتاحان و سلطه بیگانگان از در سازش درآمدند و در نتیجه نهضت‌های عامه مردم در نبرد به مهاجمان بیگانه، در عین حال، به صورت مبارزه برضد اشراف خودی نیز درآمده است. بارتولد به مناسبت بحث و تحقیق در نقش تاریخی نهضت‌های دینی شیعی و غیره در آسیای میانه و ایران، در قرون وسطی،

۱. اعتماد السلطنه، محمد بن حسن علی، همان منبع، راه البلدان، ص ۵۲۸

۲. بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۵۳

۳. بیات، عزیز الله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، ص ۳۵۳

۴. بیات، چارلز ادوارد، خراسان و سیستان، همان منبع، ص ۳۴۷

بارها تصریح کرده است که مذهب شیعه بیشتر در محیط روستا انتشار و رواج می‌یافته و معتقدات مذهبی در این موارد لفافه ظاهری نهضت‌های خلق بوده. این گونه نهضت‌ها برای نشر تشیع و دفاع از تعالیم دینی که با همراهی توده مردم بوده، و آنها با کسب آگاهی بیشتر در این زمینه و با حفظ منافع خود حکمران منطقه را تعیین می‌کنند این امیران با رفع ظلم و ستم از مردم تا مدتی حکومت می‌کنند، اما به محض نقض حقوق این جمعیت حکمران به وسیله آنها عوض می‌شود یا اینکه دوباره دست به قیام می‌زنند. این گفته در مورد نهضت سربداران صدق می‌کند چون هدف اولیه آن مبارزه با ظلم و در لفافه مذهب ظاهر شد.

### تشابه نهضت سربداران با حروفیگری

حروفیگری که نخست در تبریز منتشر شد، مشربی بسیار نزدیک به سربداران دارد. در مرام‌نامه حروفیگری دشمنی عجیبی با ساختار موجود داشت، و این جماعت مبارزه ضد اربابی را گسترش دادند، و مردم را در این مبارزه وارد کردند. می‌توان گفت که نهضت سربداران هم برای مبارزه با ظلم حکام و برای تعویض ساختار اجتماعی حاکم بر آنها، و هم‌چنین با شرکت مردم و برای ترویج تشیع و مبارزه با تسنن شکل گرفت.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

خراسان و مناطق آن به دلیل دوری از مرکز حکومت از توجه و امنیت کافی برخوردار نبودند، به این دلیل همیشه مردم شیعی خراسان مورد ظلم و ستم امرای سنی مذهب واقع می‌شدند. که این امر باعث برانگیختن خشم و نفرت مردم خراسان شد، از سوی دیگر متصوفه سطح آگاهی مردم را در این زمینه بالا برده، و مردم منتظر جرقه‌ی بودن که قیام کنند، این بستر با فوت ابوسعید ایلخانی و هم‌چنین تجاوز به حقوق شخصی و دینی مردم باشتین مهیا شد، و نهضت سربداران شکل یافت. نهضت سربداران که حرکتی مردمی و برای مبارزه با ظلم و ستم

۱. بارتولد، ترکستان نامه، واسیلی ولادیمیر وویچ، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۷

۲. عون الهی، سید آغا، تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغول تا پایان دوره صفویان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷،

ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۶

حکام و ترویج تشیع و مبارزه با اهل سنت بود نوعی سلسله‌ی متکی به رأی مردم تأسیس کرد امرای این سلسله در نشر تعالیم اسلامی تلاش فراوانی کردند با اینکه سلسله‌ی سربداران زیاد دوام نیاورد، اما خراسان را برای استقلال طلبی بیشتر آماده کرد. سربداران مبدأ جنبش‌های ملی دیگر در خراسان شد. آنها در دوره بعدی به عنوان الگوی شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندان آنها به شمار آمدند. در واقع سربداران اولین قیام مردمی علیه سلطه خارجی بخصوص مغولان است و راهی گشود برای دیگر نهضت‌ها که علیه ظم حکام و کارگزاران آنها ساکت ننشسته و به پا خیزند.

### منابع

۱. لسترنج، گای، **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**، مترجم: محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷
۲. وزین افضل، مهدی، **تاریخ ایران اسلامی**، تهران پوران پژوهش، ۱۳۹۲، ج ۵
۳. میرجعفری، حسین، **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی**، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹
۴. اصلاح عربانی، ابراهیم، **تاریخ گیلان**، تهران، گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴، ج ۲
۵. بارتولد، **ترکستان نامه**، واسیلی ولادیمیروویچ، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، ج ۱
۶. عون الهی، سیدآغا، **تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغول تا پایان دوره صفویان**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۷، ج ۱
۷. شیروانی، **بستان‌السیاحه**، زین العابدین بن اسکندر، تهران، سنایی،
۸. جعفریان، رسول، **تاریخ ایران اسلامی**، ناشر الکترونیکی: امیر قربانی، ۱۳۹۲، ج ۳
۹. معطوفی، اسدالله، **گرگان و استرآباد**، تهران، حروفیه، ۱۳۸۷، ج ۱
۱۰. ابن بطوطه، حمد بن عبدالله، **رحلة ابن بطوطه**، محقق: عبدالهادی تار، ریاض، اکادیمیة المملكة المغربية، ۱۴۱۷
۱۱. بیهقی، علی بن زید، **تاریخ بیهق**، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱
۱۲. بیت، چارلز ادوارد، **خراسان و سیستان**، ترجمه: قدرت الله روشنی زعفرانی - مهرداد رهبری، تهران، یزدان، ۱۳۶۵
۱۳. بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، **مصحح: ولادیمیر ولیامینوف**، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۲
۱۴. حبیبی، عبدالحی، **تاریخ افغانستان بعد از اسلام**، تهران، افسون، ۱۳۸۰، ج ۱
۱۵. بیات، عزیزالله، **تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ج ۲

۱۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی، *مرآة البلدان*، محقق: عبدالحسین نوایی، هاشم

محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج ۱

۱۷. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، سازمان

میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰، ج ۱

